

بررسی شگردهای تمرکززدایی انتظارشکن در تصاویرداستانهای کودکانی یعقوب شارونی

مژگان بیات کشکولی، کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه زابل
علی اصغر حبیبی^۱، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه زابل
عبدالواسط عرب یوسف آبادی، استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه زابل

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۰۳

چکیده

تمرکززدایی به توانایی ذهنی کودک اطلاق می‌شود که در آن از یک پدیده به پدیده دیگر گریز می‌زند و این گریز باعث شکسته شدن تمرکز وی می‌گردد. این پدیده که کنش‌های ذهنی را در پی دارد و باعث رشد شناختی وی و تقویت قدرت تفکر و خلاقیت او می‌شود، به واسطه شگردهای خاصی در ادبیات کودک جلوه می‌یابد. این شگردها در دو سطح متن و تصویر قابل بررسی است که سطح تصویر آن از اهمیت بالایی برخوردار است. برخی از تصاویر آثار کودکان علاوه بر تمرکززدایی، باعث انتظارشکنی مخاطب می‌گردد، بدین شکل که کودک با دیدن آن‌ها از حالت معمول خارج و غافلگیر می‌شود و این فرایند بر تمرکززدایی ذهن او تأثیرگذار است. در پژوهش حاضر تلاش بر آن است که شگردهای تمرکززدایی انتظارشکن تصویری در ده داستان منتخب از یعقوب شارونی (۱۹۳۱-۲۰۱۷م) داستان-نویس معاصر مصر، با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر داده‌های آماری، مورد بررسی قرار گرفته و چگونگی استفاده از تصاویر انتظارشکن در داستان‌ها تحلیل شوند. از مهم‌ترین شگردهای تصویری یافت‌شده در این داستان‌ها، می‌توان به تغییر ناگهانی پس‌زمینه (۳۲٪)، فانتزی‌سازی (۱۸٪) و کادرهندسی در تصویر (۱۳٪) اشاره کرد.

کلید واژه‌ها: داستان‌های کودکان عربی، شگردهای تمرکززدایی تصویری، تمرکززدایی انتظار شکن، تغییر ناگهانی پس زمینه، فانتزی سازی.

مقدمه

کودکان، اساسی‌ترین ثروت هر ملتی هستند و توجه ویژه به تربیت و آموزش در بستر ادبیات، منجر به رشد قدرت خلاقیت آنها می‌شود. ادبیاتی که برای کودک خلق می‌شود «فرصتی برای وی فراهم می‌کند تا پاسخ پرسش‌هایش را بیابد و با کمک قوه خیال خود به شناخت جدیدی از محیط پیرامونش نائل آید» (شحاته، ۱۹۹۴: ۷). این نوع ادبیات که در آن «افکار، عاطفه و خیال، متناسب با قوه درک و فهم کودک به کار می‌رود» (الهی، ۱۹۹۷: ۷۲) ابعاد گسترده‌ای را در بر می‌گیرد و «تنها به ژانر قصه و شعر محدود نمی‌گردد، بلکه تمام معارف انسانی را دربرمی‌گیرد» (عبدالفتاح، ۱۴۲۰: ۱۸).

برای خلق آثار کودکانه از شگردهای گوناگونی بهره گرفته می‌شود که از جمله آن می‌توان به تمرکززدایی اشاره کرد. این اصطلاح که برای شناساندن ویژگی‌های شناختی ذهن بشر به کار می‌رود، متعلق به ذهن کودکان در مرحله درک شکلی، ظاهری و پیش-عملیاتی (۷-۴) است (مازن کامل، ۲۰۱۳: ۲۰۶؛ أبوهیف، ۲۰۰۱: ۱۲). در این مرحله که کودک از تفکر منطقی برخوردار نیست و به اصطلاح روان‌شناسان تمرکزگرا است (شرفاوی، ۲۰۱۲: ۱۳۲)، «بر یک جنبه از وضعیتی ویژه تمرکز می‌کند، به همین جهت از جنبه‌های دیگر باز می‌ماند» (قاسمی، ۱۳۹۴: ۳). کودک کم‌کم به مرحله‌ی عملیاتی و تلاش برای بیان واقعیت‌ها (۷-۱۱) گام می‌نهد و وارد مرحله تمرکززدایی می‌شود (مازن کامل، ۲۰۱۳: ۲۰۶؛ عمر الشیخ محمد، ۲۰۰۷: ۲۲). روان‌شناسان معتقدند که کودک در این مرحله همانطور که بزرگ‌تر می‌شود «تماس او با نقطه‌نظرهای متضاد و نهادهای اجتماعی متنوع زیادتر می‌گردد؛ لذا تفکر او به سمت یک فرایند نامتمرکز گرایش بیشتری می‌یابد» (گینزبرگ، ۱۳۷۱: ۱۸۱).

در ادبیات کودک برای اینکه رشد ذهنی کودک به حد مطلوب برسد، آمیزه‌ای از آرایه‌های ادبی و شگردهای داستانی به گونه‌ای به کار می‌رود که تمرکز کودک را از حالت مألوف خارج می‌سازد (مرادپور، ۱۳۹۴: ۳۸). اهمیت این شگرد بدان جهت است که «ذهن از سویی گرایش دارد با تمرکز بر یک پدیده، آن را بشناسد و مجذوب آن شود و

از سوی دیگر این توانایی را دارد که از پدیده‌ای که مجذوب آن شده، فاصله بگیرد و به پدیده‌ای دیگر گرایش پیدا کند و نسبت به آن به شناختی ژرف‌تر دست‌یابد» (خسرونژاد، ۱۳۸۲: ۱۹). باتوجه به تفاوت‌های ماهیتی کودک و بزرگسال و به تبع آن تفاوت میان ادبیات کودک و بزرگسال، می‌توان گفت تمرکززدایی از جمله ارکان اصلی ادبیات کودک به شمار می‌آید.

در بستر ادبیات، تمرکززدایی در دو سطح متن و تصویر نمود می‌یابد که سطح تصویر آن، در ایجاد خلاقیت و رشد ذهنی کودک بسیار مؤثر است؛ زیرا تصویر نقاشی به عنوان ریشه‌دارترین ابزار ارتباطی انسان (کعیس، ۲۰۰۹: ۱۰) جزء اولین ابزارهایی است که کودک به واسطه آن ارتباطی دوسویه با جهان پیرامون خویش برقرار می‌سازد (بروکس، ۲۰۱۲: ۹۱). از جمله شگردهای تمرکززدایی تصویری می‌توان به اغراق، وارونه‌سازی، نمای دور و نزدیک، سپیدن‌گاسی، تغییر ناگهانی پس‌زمینه، فانتزی‌سازی و کادر هندسی در تصویر اشاره کرد. در این پژوهش تنها تصاویری مورد بررسی قرار می‌گیرند که از حد انتظار کودک خارج شوند و به نوعی بتوان بر آنها نام انتظارشکن نهاد. این شگردها در ده داستان منتخب از داستان‌های کودکانی یعقوب شارونی (۱۹۳۱-۲۰۱۷م) که از جمله بارزترین نویسندگان حوزه‌ی ادبیات کودک در جهان عرب به شمار می‌رود، بررسی می‌شود. علت انتخاب داستان‌های یعقوب شارونی بدین جهت است که داستان‌های وی از لحاظ متن و تصویر به حدی از پختگی رسیده که بسیاری از ناقدان، او را در صدر داستان‌نویسان کودک قرار داده‌اند (زلط، ۱۹۹۴: ۷؛ شحاته، ۱۹۹۴: ۱۳۸؛ الصاوی الجونی، ۱۹۸۵: ۵ و معوض، ۲۰۰۷: ۸).

باتوجه به اهمیت مقوله تمرکززدایی انتظارشکن، پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی به دنبال کشف جلوه‌های انتظارشکن تصویری در ده داستان زیر است: الصیاد المسکین والمارد اللعین (۱۹۹۰)؛ الرحلة العجیبة لعروس النیل (۱۹۹۴)؛ سرالحمیة البیضاء (۱۹۹۵)؛ عفاریت نصف اللیل (۱۹۹۸)؛ حسناء والثعبان الملکی (۲۰۰۴)؛ بدر البدور والحصان المسحور (۲۰۰۴)؛ الشاطر محظوظ (۲۰۰۶)؛ ثروة تحت

الأرض (۲۰۰۶)؛ الکسلان وتاج السلطان (۲۰۰۷)؛ دنایر لبلبة (۲۰۰۸). برای تحقق این هدف، در گام نخست تمام تصاویر این داستان‌ها که در راستای موضوع، اهداف و پرسش‌های پژوهش قرار می‌گیرد، گردآوری شد. هر یک از این داستان‌ها تقریباً در ۴۵ صفحه مصور و برای گروه سنی «ب» و «ج» تألیف شده است. برای بررسی داده‌ها و دستیابی به نتیجه مناسب، از روش تحلیل تصاویر استفاده شد و براساس شگردهای تمرکززدایی در جدول مخصوصی دسته‌بندی شد تا بستری مناسب برای بررسی موضوع و محتوای آن‌ها فراهم گردد. برای عینی‌تر شدن تحلیل و امکان بررسی سنجیده‌تر، بسامد و درصد داده‌های برگرفته از داستان‌ها، اندازه‌گیری شد و به کمک آمار توصیفی و استنباطی، نتایج پژوهش تفسیر گردید.

باتوجه به توضیحات بالا، پژوهش پیش‌رو در تلاش است به پرسش‌های زیر پاسخ

دهد:

- ۱- پربسامدترین شگردهای تمرکززدایی تصویری انتظارشکن در داستان‌های یعقوب شارونی کدام است؟
- ۲- هدف یعقوب شارونی از کاربرد شگردهای تمرکززدایی تصویری انتظارشکن در داستان‌هایش چه بوده است؟

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهشگران عرب‌زبان بسیاری، آثار ادبی کودکان را از منظر روانشناسی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ از آن جمله: محمد عطاء (۱۹۹۴م) در کتاب «عوامل التشویق فی القصة القصيرة لطفل المدرسة الابتدائية»، به بررسی عواملی که باعث می‌شود کودک به خواندن داستان‌های کوتاه تشویق شود، می‌پردازد و چنین نتیجه می‌گیرد که تنوع داستان و واژگان ساده و همچنین پیرنگ جذاب می‌تواند کودک را به مطالعه داستان جذب نماید. آمین القریطی (۱۹۹۵م) در کتاب «مدخل إلى سيكولوجية رسوم الأطفال»، با بررسی

و تفسیر نقاشی‌های کودکان، به تفاوت‌های بنیادین نقاشی پسران و دختران می‌پردازد و چنین نتیجه می‌گیرد که نقاشی‌های کودکان دارای دلالت‌های روان‌شناسانه خاصی هستند که به عنوان وسیله‌ای جهت رفع مشکلات و گرفتاری‌های کودک می‌توان از آن کمک گرفت.

از دیگرسو، پژوهش‌هایی نیز به بررسی متون مختلف از منظر تمرکززدایی پرداخته‌اند؛ از آن جمله: خسرونژاد (۱۳۸۲ش) در کتاب «معصومیت و تجربه» تعدادی از شگردهای تمرکززدایی را با نظر به افسانه‌های «فضل‌الله مهتدی صبحی» معرفی می‌کند و چنین نتیجه می‌گیرد که در بیشتر داستان‌های کودکان، آمیزه‌ای از این شگردها دیده می‌شود. مرادپور (۱۳۹۱ش) در پایان‌نامه «شگردهای تمرکززدایی در افسانه‌های ایران: مجموعه انجوی شیرازی» به سراغ افسانه‌های ایرانی مجموعه انجوی شیرازی، بر مبنای شگردهای تمرکززدایی رفته و به این نتیجه رسیده که در کنار شگردهای رایج تمرکززدایی، شگردهای جدیدی همچون یک صحنه با دو نما، چندمجلسی و جابجایی قهرمان به کار رفته‌است. میرقادری و احمدیان (۱۳۹۴ش) در مقاله «بررسی تطبیقی کتاب‌های تصویری داستانی عربی و فارسی بر مبنای شگردهای تمرکززدایی» (مجله مطالعات ادبیات کودک، سال ششم، شماره پیاپی ۱۱) سیزده کتاب تصویری داستانی عربی و فارسی را براساس شگردهای تمرکززدایی تحلیل کرده‌اند و چنین نتیجه گرفتند که نویسندگان فارسی و عربی در به‌کارگیری شگردهای تمرکززدایی بیش از پرداختن به ویژگی‌های زبانی و ادبی، به ویژگی‌های ذهنی و بصری توجه می‌کنند و همچنین رویکرد ادبی و زبانی به‌ویژه تمرکززدایی در کتاب‌های فارسی بیشتر از عربی است.

با توجه به پیشینه یاد شده، هیچ اثری یافت نشد که به بررسی و نقد تصاویر داستان‌های یعقوب شارونی بپردازد؛ بنابراین می‌توان به درستی ادعا کرد که این جستار، نخستین پژوهشی است که به بررسی شگردهای تمرکززدایی در داستان‌های کودکان شارونی می‌پردازد.

بحث و بررسی

شگردهای تمرکززدایی انتظارشکن^۱

شگردهای تمرکززدایی انتظارشکن یکی از انواع شگردهای تمرکززدایی تصویری است که به نوعی انتظار مخاطب را در تصاویر داستان برهم می‌شکند و باعث غافلگیری او می‌شوند (أبوالعدوس، ۲۰۰۷: ۸۰)؛ به گونه‌ای که در آغاز، مخاطب بر تصاویر داستان تمرکز کرده و با تکیه بر آنچه پیش از این در محیط پیرامونی خود آموخته، در ذهن خویش انتظار رایج و معمول را از روند تصویر دارد؛ اما به ناگاه نویسنده با ارائه تصویر و یا بُعدی متفاوت و خلاف انتظار از تصویر ذهنی مخاطب، فرایند ذهنی او را در معرض غافلگیری قرار می‌دهد. این نوع آشنایی زدایی در ادبیات کودک به عنوان عاملی برای تقویت قوه ابتکار کودک بسیار حائز اهمیت است. «پرهیز از کلیشه‌ها که سبب نوعی آسان‌پذیری می‌شود می‌تواند به این مهم کمک کند» (اسپرهم و پیلهور، ۱۳۹۵: ۲۶).

این تصاویر انتظارشکن که در داستان‌های کودکان نمود بالایی دارند، با عملکردی هنجارشکنانه، با ایجاد تغییر در فرایند تصویرپردازی و خروج از روند عادی و موردانتظار، نوعی شوک تصویری را در او بوجود می‌آورند و با خروج از یکنواختی تصویری، منجر به تمرکززدایی در ذهن کودک می‌شوند. در واقع این نوع انتظارشکنی هنجارگريزانه در ادبیات کودک «کوششی است برای خلق مضامین تازه و ارزش‌هایی که هنر وسیله‌ای برای برجسته کردن آنهاست» (سلاجقه، ۱۳۸۷: ۴۱۴). از جمله این شگردهای تصویری انتظارشکن که در داستان‌های یعقوب شارونی دارای بسامد بالایی است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

تغییر ناگهانی پس‌زمینه

گاه در برخی از تصاویر، پس‌زمینه‌ای معمول طراحی می‌شود و پس از مدتی اندک، همان تصویر در قابی دیگر با پس‌زمینه متفاوت برای مخاطب عرضه می‌شود. مخاطب با نگاه به تصویر محوری اول، ذهن خود را بر آن تصویر و پس‌زمینه آن متمرکز می‌کند. مدتی نمی‌گذرد که با نگاه به تصویر دوم که در همان شکل و ابعاد طراحی شده، تمرکز

خود را از دست می‌دهد. این فرایند رفت و برگشت، با درگیرکردن ذهن کودک، به نوعی در کنار فراهم آوردن بستر بیشتر برای درک سایر ابعاد و عناصر تصویر و ایجاد خلاقیت ذهنی، بر جذابیت و لذت بخشی تصویر می‌افزاید (بروکس، ۲۰۱۲: ۱۰۰). این بدان جهت است که تغییر ناگهانی پس زمینه به نوعی انتظار مخاطب را می‌شکند و او را به سمت تمرکززدایی سوق می‌دهد.

نمونه این شگرد در تصاویر "سر اللحية البيضاء، ۱۹۹۵: ۳، ۵، ۱۱" دیده شده است.



کودک با نگاه به تصویر اول که سیاه و سفید است به نوعی ذهن خود را بر شخصیت سیاه و سفید داستان متمرکز می‌کند؛ اما چندی بعد تصویری دیگر که همان شخصیت در قابی متفاوت تر از قبلی، با پس زمینه، رنگ و ابعاد متفاوت جلوه می‌کند؛ این امر سبب انتظارشکنی کودک و به تبع آن تمرکززدایی وی می‌گردد. از نظر روان-شناسی «تغییر رنگ ناگهانی پس زمینه از رنگ‌های روشن به رنگ‌های تیره یا بالعکس، می‌تواند موجب تمرکززدایی مخاطب شود» (میرقادری، ۱۳۹۴: ۱۸).

این شگرد در تصاویر زیر نیز از داستان "الصياد المسكين و المارد اللعين، ۱۹۹۰: ۳، ۶، ۸"، دیده می‌شود:



تغییر رنگ تصاویر از رنگی به سیاه و سفید یا تیره به روشن، موجب انتظارشکنی و سپس تمرکززدایی در کودک می‌شود. شگرد تغییر ناگهانی پس‌زمینه به عنوان پربسامدترین (۳۲٪) شگرد تصویری داستان‌های منتخب یعقوب شارونی می‌تواند به این نکته اشاره داشته باشد که همزمان با اینکه نویسنده قصد دارد از خلال متن، تمرکز کودک را برهم زند، تصاویری برای آن متن طراحی می‌کند که در راستای برهم زدن تمرکز کودک و انتظارشکنی وی باشد.

فانتزی‌سازی

فانتزی‌سازی یکی از کارکردهای کاربردی در ادبیات کودک است، زبان هنری است که تک‌تک اجزای آن در عالم واقعی وجود دارد، وقتی این اجزاء در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، مخاطب خود را به دنیای فراتر، شگفت‌انگیزتر و لطیف‌تر وارد می‌کند، دنیایی که نه هست و نه می‌تواند باشد. «فانتزی در راستای مفاهیمی همچون عجیب و غریب، جادو و اعمال شگفت‌انگیز قرار می‌گیرد» (غازی النعیمی، ۲۰۰۷: ۱۲۰). فانتزی‌سازی به «شخصیت‌هایی که از خلال انبوه حوادث ناگهانی و دارای برداشت‌های متفاوت و گوناگون به انجام کارهای خارق‌العاده دست می‌زنند» (حلیفی، ۱۹۹۳: ۶۵) می‌پردازد. فانتزی «روایتی از دنیای غیرممکن‌هاست برای نمایش و تبیین مفاهیم عالی بشر» (بهرزکیا، ۱۳۸۵: ۱۳۸). فانتزی‌سازی به کودک کمک می‌کند تا کنجکاوی خود را گسترش دهد، آن‌ها را تجسم کند و یک دنیای خیالی برای خود بیافریند. تصاویر داستان‌ها نیز می‌توانند به نوعی فانتزی باشند؛ به گونه‌ای که شکل، شخصیت و ابعاد تصویر به گونه‌ای جلوه می‌کند که مخاطب از برداشت‌های ذهنی معمول خود خارج می‌شود و به یک دنیای غیرواقعی و پراز تخیلات گام می‌نهد. به همین جهت است که تمرکز خود را از دست داده و به نوعی به حد انتظارشکنی می‌رسد.

تصویر زیر از داستان "حسناء والثعبان الملکی، ۲۰۰۴: ۲۲" گویای اهمیت این شگرد در تمرکززدایی کودک می‌باشد.



در این تصویر، کوهی به شکل شتر و در اطراف کوه‌هایی با رنگ سفید و قرمز دیده می‌شود. کودک با دیدن تصویر کوه با طرح شتر، با خود فکر می‌کند که کوه‌هایی که تاکنون دیده، نمی‌تواند چنین طراحی داشته باشند؛ لذا تمرکز وی از اشکال و انواع کوه-ها قطع می‌شود و به تصاویر خیالی و فانتزی جدید از کوه که نمی‌تواند در عالم واقع هم وجود داشته باشد، گرایش می‌یابد.

تصویر دیگر نیز "الشاطر محظوظ، ۲۰۰۶: ۲۰" با همین کارکرد در داستان‌های منتخب دیده شده، در این داستان افراد و شخصیت‌هایی هستند که کارهای عجیب انجام می‌دهند و حرکات‌های تخیلی که در عالم واقع وجود ندارند.



در تصویر، فردی مشاهده می‌شود که دست و پا‌های بسیار بزرگی دارد و می‌تواند تا فاصله زیاد برسد؛ همین عجیب و غریب بودن فرد است که موجب شگفتی می‌شود. کودک چنان به موضوع مشغول می‌شود که دیگر نمی‌تواند از آن رهایی یابد. او به شخصیت‌های خیالی که در عالم واقع وجود ندارند، می‌اندیشد، سپس غافلگیر شده و انتظارشکنی در او به وجود می‌آید. شگرد فانتزی‌سازی به‌عنوان دومین شگرد پربسامد (۱۸٪) در داستان‌های منتخب شارونی از میان کل شگردها نمود داشته است.

کادر هندسی در تصویر

یکی دیگر از مواردی که می‌تواند بر تمرکززدایی کودک تأثیرگذار باشد، استفاده از تصاویر کادرگونه و اشکال هندسی در تصویر (روسا، ۲۰۰۲: ۳) است. در این کارکرد، تصویرپرداز از کادرهای مختلف در بالا، پایین یا وسط تصاویر استفاده می‌کند تا تمرکز کودک را از کلیت تصویر به آن بخش درون کادر جلب نماید. این شگرد به‌عنوان سومین شگرد پرسامد (۱۳٪) در داستان‌های شارونی در داستان "بدرالدور والحصان المسحور، ۲۰۰۴: ۳، ۴، ۸" دیده می‌شود.



تصاویر این داستان بیشتر در کادرهای هندسی همچون مستطیل، دایره و مربع قرار گرفته و باعث نوعی تغییر در روند تصویرگری داستان گشته است. عده‌ای از تصویرگران «از خط‌های حاشیه‌ای ساده یا تزئینی استفاده می‌کنند تا متن یا تصویرهایشان را بی‌روانند؛ بنابراین تأثیر جذابیت داستان را افزایش می‌دهند و درخواننده کشش بیشتری ایجاد می‌نمایند» (کومینس، بی‌تا: ۵). در تصاویر فوق نیز کادرهای بیضی و دایره در بخش‌هایی از تصویر کشیده شده و این امر تصویر را محدود می‌کند و در نتیجه بینش و احساس کودک نسبت به درک تصویر گسترش یافته و با ایجاد نوعی انتظارشکنی، موجب تمرکززدایی وی می‌شود. تصویر دیگری نیز در داستان "دنایر لبلبة، ۲۰۰۸: ۱۹) با همین کارکرد در داستان‌های منتخب شارونی دیده می‌شود.



در این تصویر، دختری در کادر مربع به تصویر کشیده شده است. متفاوت بودن نوع تصویر در صفحات باعث زیباتر شدن و همچنین جذب مخاطب می‌گردد. صفحات دارای کادر که متفاوت از بقیه صفحات است، انتظارشکنی را در کودک به وجود می‌آورد و نوعی کنجکاوی کودک را برمی‌انگیزد؛ بنابراین این تصاویر گویایی و رسایی متن و پیام را افزایش می‌دهد.

اغراق

اغراق یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که برای آشنایی‌زدایی در آثار هنری و ادبی بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدین ترتیب هنرمند برای تأکید توصیف خود و با شگردهای مختلف سعی دارد تا موضوع یا اثر هنری خود را به شیوه‌ای مبالغه‌آمیز بیان کند و آن را از موقعیت عادی اثر خارج کند که این خود نشان از ذوق هنری است. اغراق، «زیادی در مبالغه است تا جایی که از حد بگذرد» (مطلوب، ۱۴۰۳: ۲۶۲). عده‌ای آن را «ادعای وصف چیزی در شدت یا ضعف به حدی که در عادت، ممتنع الوقوع و از نظر عقل، ممکن الوقوع باشد» (علوی، ۱۹۹۵: ۴۶۰ و القزوی، ۱۹۸۹: ۵۴) می‌دانند. در کتاب‌های تصویری هر دو گونه اغراق (بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی) می‌توانند به شرط آنکه به شکلی تأثیرگذار به کار گرفته باشند، مخاطب را از نگاهی متمرکز جدا کنند.

در حوزه تصویر داستان‌های کودک نیز با توجه به اینکه «ذهن کودک بدون توجه به موقعیت و موانع مکانی، به نوعی بر اسلوب مبالغه در حجم موضوعات و تصاویر تکیه دارد و از آن لذت می‌برد» (السویدی و عطیة، ۱۹۹۴: ۲۱۷)، اگر اغراق در تصاویر بر مبنای ساختار ذهنی کودک ارائه شود، می‌تواند از رویکردی تمرکززدا نزد او برخوردار باشد.

این شگرد، ۱۲٪ از مجموع شگردهای تمرکززدایی تصویری در داستانهای شارونی را به خود اختصاص داده است.

نمونه این شگرد در داستان "الشاطر محظوظ، ۲۰۰۶: ۱۲" مشاهده می‌شود.



قصه، تصویر فردی را نشان می‌دهد که درختی را بلند کرده، این بزرگ‌نمایی در شکم مرد و همچنین بالابردن تنه درخت و از ریشه درآوردن آن است که باعث انتظارشکنی در کودک می‌شود و گونه‌ای از اغراق را می‌سازد. کودک با دیدن این اغراق تصویری از نگاه معمول خارج شده، به فضای خیال‌انگیز می‌رود و با نگاهی ویژه بر این اغراق متمرکز می‌شود. این شگرد همچنین به صورت کوچک‌نمایی اغراقانه در همین داستان دیده می‌شود (همان: ۴۱).

بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی از بارزترین ویژگی‌های تصاویر کودکانه است؛ «کودک در بسیاری از موارد برای ترسیم اندیشه و ذهنیت کودکانه خویش از مسائل پیرامونی به تحریفات هم‌چون مبالغه در حذف، بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی پناه می‌برد که علت اصلی این فرایند را باید در علاقمندی او در تاکید بر اجزاء مبالغه‌شده و بی‌توجهی به اجزاء کوچک یا حذف‌شده جستجو نمود» (عمر الشیخ محمد، ۲۰۰۷: ۲۶).



در این تصویر، صندلی بسیار کوچکی در کنار شخصیت فرعی داستان با ابعاد بسیار بزرگ تصویرسازی شده است. کودک با نگاه به صندلی و ابعاد آن از فضای معمول خارج می‌شود و تمرکز وی در دنیایی خیال‌انگیز که همه‌چیز آن بزرگ‌تر و کوچک‌تر از حد معمول دیده می‌شود، سیر می‌کند. این شگرد بر تمرکززدایی و در ادامه خلاقیت ذهن کودک کمک می‌کند.

بازی رنگ‌ها

رنگ از بیشترین عناصری است که «در نقاشی به کارگرفته و به احساس شخص مرتبط می‌شود» (عبید، ۲۰۱۰: ۲۶۴) رنگ‌ها «از همان مراحل آغازین تولد کودک مورد توجه اوست و نظرش را به خود جلب می‌کند و چشمش را می‌نوازد» (کعیس، ۲۰۱۰: ۱۴۷). رنگ تصاویر در داستان‌های کودک می‌تواند تمرکززدا باشد؛ به گونه‌ای که او رنگی را در تصویر می‌بیند که با رنگ‌هایی که در ذهن خود تا پیش از این داشته متفاوت است. کودک شگفت‌زده می‌شود، انتظارات او شکسته می‌گردد، به دنیای خیالی رنگ‌ها گام می‌نهد و تمرکز خود را از دست می‌دهد.

در تصاویر زیر از کتاب "حسنة والنعبان الملکی، ۲۰۰۴: ۲۲، ۷" کوه‌هایی با رنگ‌های قرمز، بنفش و سفید دیده شده که با آنچه پیش از این در عالم واقع دیده، متفاوت است. این تصاویر رنگی تخیلی، تمرکز کودک را برمی‌انگیزد و در او انتظارشکنی به وجود می‌آورد؛ زیرا رنگ به عنوان یک محرک، نقشی مهم در شکوفایی ذهن کودک ایفا می‌کند. «خاطرات کودکی ما با رنگ‌هایی که در ذهن‌مان نقش بسته‌اند، ارتباط تنگاتنگی دارد و در بزرگسالی هم نسبت به آن رنگ‌ها واکنش‌های مثبت و منفی نشان می‌دهیم» (آیزمن، ۱۳۸۸: ۱۷). باتوجه به اینکه رنگ، تأثیری مستقیم بر مغز انسان می‌گذارد، «یکی از تأثیرگذارترین عناصر خلاقیت فکری و ذهنی کودک و رشد تفکر او به‌شمار می‌آید» (ویلکاکس، ۱۳۷۹: ۱).



در این تصویر، کوه به رنگ قرمز و بنفش دیده شده است. در داستان همانگونه که از نامش پیداست «زن زیبارو»، تصاویری برای آن انتخاب شده‌است که متناسب با احساسات بانوان و به صورتی خیال‌پردازانه طراحی شوند.

تصویر دیگر نیز از کتاب "الرحلة العجیبة لعروس النیل، ۲۰: ۱۹۹۴" گویای بازی با رنگ‌های زیباست. درختانی با رنگ‌بندی بنفش، آبی و نارنجی دیده‌شده و خورشیدی که اطرافش با رنگ بنفش به تصویر کشیده شده‌است.



در کاربرد و گزینش رنگ‌ها در هنر نقاشی دو رویکرد اصلی وجود دارد: «اول هارمونی و هماهنگی رنگ‌ها و دوم تباین تعارض رنگ‌ها» (کعیس، ۲۰۱۰: ۱۴۵ به نقل از بنکراد، ۲۰۰۵: ۱۵)، که در این تصویر بیشتر رویکرد دوم مدنظر است. مخاطب با دیدن این تصویر با رنگ‌هایی متفاوت آشنا می‌شود که در محل خود بکار نرفته‌اند؛ لذا در فکر فرو می‌رود که خورشید و درختان نمی‌تواند چنین رنگ‌هایی داشته باشند؛ بنابراین، او به رنگ‌هایی گرایش پیدا می‌کند که نمی‌تواند وجود داشته باشد و به همین جهت که او انتظارشکن می‌شود و تمرکز خود را از دست می‌دهد. این تصاویر رنگی «عاملی برای تشویق کودک و دارای جاذبه می‌باشد» (نجیب، ۱۹۹۱: ۲۲۳).

در داستان "الرحلة العجیبة لعروس النيل" تصویر خورشیدی با اطراف بنفش ارائه شده که نمایانگر غم و اندوه است؛ زیرا که رنگ بنفش، «رنگ عالم رویا و خیال است» (مختار عمر، ۱۹۹۷: ۹۷) و حاوی پیام غم و اندوه است (وایتن، ۲۰۴: ۱۳۸۴). در این‌جا، چون پری دریایی از آلودگی آب‌ها ناراحت است، اطراف خورشید را با رنگ بنفش رنگ‌آمیزی نموده.

وارونه‌سازی

وارونه‌کردن مفاهیم نقش‌بسته در ذهن کودک نیز می‌تواند به گونه‌ای باشد که مخاطب به دنیای جدیدی گام نهد و معنایی متفاوت از آنچه در ظاهر به نظر می‌رسد، داشته باشد (بروکس، ۲۰۱۲: ۱۰۳). در این شگرد مفاهیمی که برای کودک معنایی ثابت دارند، وارونه می‌شود؛ برای نمونه آنچه نماد کم‌هوشی است همچون موجودی هوشمند معرفی می‌گردد. «وارونه‌سازی را شاید بتوان حالتی دیگر از اغراق دانست؛ مثلاً الاغ که معمولاً در زندگی عادی به کم‌عقلی مثل است، موجودی هوشمند معرفی گردیده که با تدابیری خودش و دیگران را از مهلکه بدر می‌برد» (خسرونژاد، ۱۳۸۲: ۱۷۶). این شیوه، تفکر از پیش تعیین‌شده را در مخاطب تغییر می‌دهد و موجب می‌شود تا او از نو به رویدادها نظر کند و باعث انتظارشکنی در کودک می‌شود.

این شگرد در تصاویر داستان "عفاریت نصف الليل، ۱۹۹۸: ۱۶" دیده می‌شود.



در این تصویر برعکس انتظار معمول و رایج، جن‌ها از بچه‌ها می‌ترسند و از دست آن‌ها فرار می‌کنند. در این شگرد مفهوم ترس از جن نزد مخاطب که معنای ثابتی داشته، وارونه می‌شود، در حالیکه همیشه این بچه‌ها هستند که از جن می‌ترسند. این شگرد

تفکرات کودک را تغییر داده، به نوعی انتظارشکن می‌شود و نوعی لذت برای او به وجود می‌آید. «این هنجارشکنی در پرهیز از کلیشه‌هایی که سبب نوعی آسان‌پذیری می‌شود، نقش بالایی در تقویت قوه ابتکار کودک دارد؛ زیرا لزومی ندارد همیشه روباه‌ها بدجنس باشند، پسران شجاع و دختران ترسو باشند، خرگوش‌ها زرنگ و همیشه پیروز باشند (اسپرهم و پیلهور، ۱۳۹۵: ۲۶). ۱

ین شگرد همچنین در داستان (سر اللحیه البيضاء، ۱۹۹۵: ۱۰) مشاهده شده است.



در این تصویر، خرسی، مهمان خانه دخترها می‌شود؛ او مهربان است و با آن‌ها بازی می‌کند. در صورتیکه به صورت معمول، بچه‌ها از خرس می‌ترسند و با او بازی نمی‌کنند. این شگرد به نوعی با انتظارشکنی، مخاطب را غافلگیر می‌کند؛ به بیان دیگر در مسیر داستان برای مخاطب، انتظارهایی از قصه پدید می‌آید. کودک منتظر است تا شخصیت‌های داستان از خرس هراس داشته باشند، تا بر طبق ذهنیات او قصه ادامه پیدا کند؛ اما این شگرد با ایجاد رابطه عاطفی میان خرس و شخصیت‌های داستان باعث انتظارشکنی کودک می‌شود که همین نگاه نو به موضوع، خود نوعی تمرکززدایی را در کودک به وجود می‌آورد. این شیوه تفکرات قالبی را در کودک تغییر می‌دهد و باعث می‌شود تا کودک انعطاف‌پذیرتر شود.

تشخیص

تشخیص در لغت به معنی تمیزدادن و شخصیت‌بخشیدن و در اصطلاح بیان، نسبت-دادن صفت‌های انسانی به چیزهای بی‌جان و انتزاعی است (انوشه، ۱۳۸۰: ۲۸۱). این صنعت بلاغی در شعر طبیعت زیاد یافت می‌شود که در آن با طبیعت سخن می‌گویند (ضیف، ۱۹۷۵، ج ۱: ۲۰۷). شخصیت‌بخشیدن و دادن صفات انسانی به حیوانات و یا

گیاهان و حرف‌زدن آن‌ها می‌تواند عاملی برای انتظارشکنی و برهم‌زدن تمرکز کودک گردد. بنابراین سخن‌گفتن حیوانات و یا اعمال انسانی که از آنها سر می‌زند، برای آن‌ها نوعی آشنایی‌زدایی تلقی می‌شود و کودک در این مرحله است که انتظارشکن می‌شود و پس از آن به تمرکززدایی می‌رسد.

تصویر زیر از کتاب "الرحلة العجیبة لعروس النيل، ۱۹۹۴: ۲۸" گویای اهمیت تشخیص در تمرکززدایی کودک می‌باشد.



در تصویر فوق، قورباغه‌ای دیده‌شده است که ماهی‌های مریض را معالجه می‌کند. طبابت از کارهای انسان می‌باشد و اینکه کودک در تصویر می‌بیند یک قورباغه این کار را انجام می‌دهد، نوعی آشنایی‌زدایی در وی به وجود می‌آید، انتظارشکن می‌گردد و به تمرکززدایی می‌رسد.

در ژانر ادبیات کودک، عنصر جاندارانگاری، زیبایی داستان کودک را فزونی می‌بخشد و خواندن داستان را برای کودکان جذاب‌تر می‌نماید. بنابر پژوهش‌های دانشمندان - به ویژه پیازه - یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ذهنی کودکان جاندارپنداری و یا زنده‌انگاری است (خسرونژاد، ۱۳۸۲: ۱۷۱).

این شگرد در تصویر زیر از داستان "سرالحمیة البيضاء، ۱۹۹۵: ۹" نیز دیده می‌شود.



در تصویر، خرسی که مثل انسان روی دو پا راه می‌رود و در حال درزدن است، دیده شده. راه رفتن روی دوپا، کاری مخصوص انسان است؛ کودک از خرس انتظار ندارد که روی دو پا راه برود و در واقع با دیدن این تصویر انتظارشکن و غافلگیر می‌شود.

اسطوره‌نگاری کودکان

اسطوره نشانگر تلاش انسان باستان در تفسیر کلامی هستی و پدیده‌های موجود در آن‌ها و ارتباط انسان با آن‌ها بوده است (خورشید، ۲۰۰۲: ۲۰). النعیمی اسطوره را فکر و اعتقادات تاریخی می‌داند که پر از شگفتی‌هاست (النعیمی، ۲۰۰۵: ۴۵). به تعبیری دیگر، اساطیر شامل روایاتی از اعمال فوق‌العاده انسان‌ها یا موجودات آرمانی است که زاده تخیل افراد یا اقوام بوده و خود از حوادث تاریخی واقعی که در بستر زمان تغییر شکل یافته است، سرچشمه گرفته‌اند (رزمجو، ۱۳۸۵: ۱۸۴). دیدن موجودات آرمانی و خیالی اسطوره‌ای در تصاویر، غول‌ها و پریان در قصه باعث لذتی سرشار در مخاطب می‌گردد؛ او با دیدن این تصاویر اسطوره‌ای و دنیای ساختگی، ارباب تخیلش را به هر سو می‌راند، به حد انتظارشکنی می‌رسد و تمرکزش را از دست می‌دهد. این موجودات اساطیری به شکلی کودکانه در این داستان‌ها نمود کرده است.

نمونه این شگرد زیبا در تصاویر داستان "ثروة تحت الأرض، ۲۰۰۶: ۱۳" دیده می‌شود.



در این تصویر، تعدادی پرنده با سر انسان و بدن پرنده مشاهده شده است. کودک تابحال پرنده‌ای را به این صورت مشاهده نکرده است؛ لذا تمرکز وی از انواع پرنده‌ها جدا می‌شود و به تصاویر اسطوره‌ای خیالی که در جهان واقع نمی‌تواند وجود داشته باشد، گرایش پیدا می‌کند؛ بنابراین تمرکز خود را از دست می‌دهد و به حد انتظارشکنی می‌رسد. در منابع اسطوره‌شناسی این موجود تخیلی با سر انسان و هیأت پرنده‌گان را «سیرن» خوانده است (پین سنت، ۱۳۷۹: ۲۳۲). کودک با دیدن این تصویرهای تخیلی انتظارشکن و غافلگیر می‌شود.

تصویر دیگر نیز با همین کارکرد در داستان "الصيادالمسكين والمارد اللعين، ۱۹۹۰: ۴۱" دیده می‌شود:



تصویر مردی را نشان می‌دهد که نیمی انسان و نیمی دیگر ماهی است. این موجود تخیلی در فرهنگ اساطیر یونان و رم با نام «تریتون»^۲ ذکر شده است. تریتون «مردی است که بدنش به دو دم بسیار بزرگ ماهی ختم می‌شود» (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۷۹). کودک و مخاطب، همیشه پری دریایی را به صورت زن زیبا مشاهده کرده‌است و تصویر پری

دریایی به صورت مرد، نوعی انتظارشکنی و آشنایی زدایی برای او بوجود می‌آورد، این تصویر طرح واره‌های ذهنی او را برهم می‌زند.

تخیل مکانیکی

در برخی از تصاویر تخیلی فرم، اندازه و شکل شخصیت‌ها به گونه‌ای جلوه می‌کند که کودک به دنیای پر از تخیلات گام می‌نهد؛ به همین جهت است که تمرکز خود را از دست داده و انتظارشکن می‌گردد. در این شگرد، تصویرگر با تخیل خویش سعی بر آن دارد که ابزارآلات مکانیکی را با تخیل خویش آمیخته و آن‌ها را به بازی بگیرد. نمونه این شگرد در داستان "الشاطر محظوظ، ۲۰۰۶: ۴۵" دیده می‌شود.



در این تصویر، مردی با دست و پاهای دراز، به حالت میز درآمده است. مرد مثل داربستی مکانیکی تمام میزها را برای عروس و داماد فرا گرفته است. کودک که تابه‌حال فردی را به این شکل ندیده است، ذهن خود را بر این شخصیت خیالی که خیلی متفاوت‌تر از انسان معمولی می‌باشد، متمرکز می‌کند. دادن چنین نقشی به یک انسان، نوعی انتظارشکنی را در کودک به وجود می‌آورد و باعث تمرکززدایی در او می‌شود. همچنین در همین داستان (همان: ۲۹) مرد، دستش را به اندازه‌ای دراز می‌کند که تا ته چاه می‌رسد و انگشتش را پیدا می‌کند.



کودک و مخاطب با دیدن این تصاویر انتظارشکن می‌شود، تمرکزش از یک چیز مألوف کاسته می‌شود و به دلالت‌های متعدد گرایش می‌یابد که خود دال بر تمرکززدایی موفق تصویرگر در این داستان‌هاست؛ به گونه‌ای که کودک تصویر را با تخیل خویش می‌آمیزد و دقتش بیشتر می‌گردد. از نظر روان‌شناسان تخیل مکانیکی در تصاویر، «علاوه بر معانی، نیروی تأثیربرانگیز و ارزش‌های زیباشناسانه‌ای دارند که بر ذهن کودک تأثیر می‌گذارند» (شحاته، ۱۹۹۲: ۲).

کارکرد تقابلی متن و تصویر

«تصویر در کتاب کودک با متن رابطه‌ای غیرقابل انکار دارد... و باید مقید به متن باشد نه دنباله‌روی آن» (قزل‌ایغ، ۱۳۹۲: ۶۶). در بعضی از کتاب‌های تصویری، کودک بنابر آنچه که در متن می‌خواند به تصویر رجوع می‌کند؛ اما تصویری متفاوت‌تر از متن دریافت می‌کند؛ فرایندی که در زبان‌شناسی با عنوان هم‌زیستی و تقابل متن و تصویر از آن تعبیر می‌شود (رک: کعسیس، ۲۰۱۰: ۱۳۳-۱۳۶ و شاکر محمد و سلمان خلیل، ۲۰۱۴: ۶). او انتظار این تصویر را ندارد به‌همین جهت تمرکز خود را از دست می‌دهد.

نمونه این شگرد در داستان "دنانیر لبلبه" یافت شد. متن از مادر بزرگ لبلبه و خانه‌ای که فرشته‌ها برایشان مهیا کرده بودند، صحبت می‌کند؛ اما در تصویر سه دختر را نشان می‌دهد.



این تناقض میان متن و تصویر باعث انتظار شکنی و در نتیجه تمرکززدایی در کودک می‌گردد: «وَمَا إِنْ شَاهَدْتَ الْجَدَّةُ لِبَلْبَةِ، حَتَّى أَطْلَقْتَ صَيْحَةً وَهَتَفْتَ: «لِبَلْبَةِ...!! لِبَلْبَةِ...!! أَنْظِرِي هَذَا الْمَتْلَ الَّذِي أَعْطَتْهُ إِيَّايَ الْخَوْرِيَّاتُ أَخِيرًا! إِنَّهُ بِفَضْلِ إِخْلَاصِكَ وَصَفَاءِ قَلْبِكَ» (شارونی، ۲۰۰۸: ۴۳) وقتی که مادر بزرگ لبلبه را دید، فریاد زد و صدا کرد: لبلبه...!! لبلبه...!! نگاه کن این منزلی که فرشته‌ها این اواخر به ما دادند! این از فضل اخلاص و پاکی قلب تو است. مخاطب با مشاهده تناقض موجود میان متن و تصویر، از تمرکز بر یکی از این دو خودداری کرده و با حرکت ذهنی میان متن و تصویر به اطلاعاتی جامع‌تر دست می‌یابد (میرقادی، ۱۹: ۱۳۹۴). این شگرد همچنین در داستان "سر اللحية البيضاء" مشاهده شد. آن‌جا که متن از جوان شدن و مرد شدن خرس صحبت می‌کند؛ ولی در تصویر دیده نمی‌شود: «عِنْدَمَا فَتَحَتْ وَرْدَةُ وَزَهْرَةُ عَيْنَهُمَا، لَمْ يَشَاهِدَا دُبًّا، بَلْ فَتًى رَشِيقًا وَسِيمًا، يَرْتَدِي مَلَابِسَ مُطَرَّرَةً بِخِيوطِ الذَّهَبِ وَجِلْدُ الذَّبِّ مُلْقَى عَلَى الْأَرْضِ». (شارونی، ۱۹۹۵: ۳۶) هنگامی که ورده و زهره چشمانشان را باز کردند، خرسی را مشاهده نکردند، بلکه جوانی رشید و خوش‌سیما که لباس‌هایی با نقوش و خط‌های طلایی پوشیده بود و پوست خرس بر زمین افتاده بود.



در تصویر، خرسی مشاهده می‌شود که می‌خواهد به کوتوله‌ شرور حمله ببرد و دخترها نیز از دور نگاه می‌کنند، اما تصویری از جوان شدن و مرد شدن خرس نیست (همان: ۳۷). این تناقض میان متن و تصویر باعث می‌شود کودک از تمرکز بر متن خودداری کند و به دنبال تصویر بگردد. این انتظارشکنی موجب تمرکززدایی در مخاطب می‌گردد و «حس زیباشناسانه کودک را تقویت می‌کند» (Huck, 1997: 180) و «موجب سهیم شدن کودک در لذت‌های بصری که مایه‌های هنری دارد و در عین حال ذائقه هنری او را پرورش می‌دهد، می‌گردد» (قزل‌ایاغ، ۱۳۹۲: ۶۷).

شوخی تصویری

شوخی تصویری به این معناست که یک تصویر به گونه‌ای دوپهلوی به کار گرفته شود، به طوری که بیننده ابتدا به اشتباه بیفتد و آنچه را که منظور اصلی روایت است در نیابد؛ ولی با کمی دقت پی به خطای خود برد. «از راه این شگرد بیننده از تمرکز بر دریافت نخست خود خارج شده، این بار تصویر را از زاویه‌ای دیگر می‌نگرد» (قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۸). در برخی از تصاویر مخاطب به اشتباه متوجه چیز دیگری می‌شود و آنچه را که در بطن تصویر است، در نمی‌یابد و پس از مدتی اندک با نگاه به تصاویر دیگر متوجه اشتباه خود می‌شود؛ این بدان جهت است که شوخی تصویری به نوعی انتظار مخاطب را می‌شکند و او را به سمت تمرکززدایی سوق می‌دهد.

تصاویر زیر از کتاب "الشاطر محظوظ، ۱۸:۲۰۰۶" گویای این شگرد می‌باشد.



در تصویر مرد و دوستانش به شاخه درختی می‌رسند، درحالی‌که این شاخه درخت، دست فردی بوده که کارهای عجیب و غریب انجام می‌داد. مخاطب با دقت نظر از تصویر اول خارج شده و بار دوم تصویر را به گونه‌ای دیگر می‌نگرد؛ او انتظار ندارد که دست فرد بدین صورت باشد، بنابراین او از تصورات خود فاصله می‌گیرد و انتظارشکن می‌شود؛ این شوخی تصویری باعث لذت و سرگرمی در کودک می‌گردد.

تصویر دیگری نیز در داستان "الرحلة العجیبة لعروس النيل، ۷: ۱۹۹۴" گویای همین شگرد است.



شاخه درخت در تصویر مثل گوش درازی بر روی سر سگ قرار گرفته؛ ولی اگر بیننده دقت بیشتری کند، متوجه اشتباه خود خواهد شد و به این ترتیب از دریافت نخست خویش فاصله می‌گیرد، او انتظار ندارد که تصویر اینگونه باشد؛ بنابراین مخاطب با نگاه به تصویر بعد نوعی انتظارشکنی در او به وجود می‌آید و به تمرکززدایی می‌رسد.

دگردیسی قهرمان (شخصیت اصلی)

یکی از مهم‌ترین عناصر داستانی و کلید و اساس هر نوع ساختار روایی، شخصیت‌های داستان است؛ زیرا این عنصر به عنوان یک عامل ارتباط دهنده در ساختار روایی، دیگر

اجزاء و عناصر روایی را به هم مرتبط می‌سازد (عبدالمحسن، ۲۰۱۱: ۴۴). «بدون شخصیت داستانی، نمی‌توان برای جامعه واقعی که نویسنده قصد به تصویرکشیدن آن را دارد، وجودی را تصور کرد» (الفیصل، ۱۹۹۵: ۷۵) از طرفی شخصیت دینامیک یا پویا، شخصیتی است که با وقوع حوادث ناگهانی، یکریز و مداوم در داستان دستخوش تغییر و تحول می‌شوند (بخراوی، ۱۹۹۰: ۲۱۵). این نوع شخصیت‌ها به صورت تدریجی و در طی داستان برای خواننده معرفی می‌شود (الفیصل، ۱۹۹۵: ۸۵). دگردیسی قهرمان نیز از مواردی است که باعث انتظارشکنی کودک می‌شود؛ او ذهن خود را بر قهرمان داستان تمرکز کرده و سپس در جریان داستان و با تغییر شکل دادن قهرمان، تمرکز خود را از دست می‌دهد، به نوعی انتظارشکن می‌شود و به تمرکززدایی می‌رسد. در این شگرد «شخصیت‌ها تغییر شکل می‌دهند و به صورتی دیگر تبدیل می‌شوند؛ اما پس از مدتی دوباره به شکل نخستین باز می‌گردند. این تغییر شکل‌ها، از یک صورت ثابت تمرکززدایی می‌کند» (مرادپور، ۱۳۹۴: ۱۶۵).

این شگرد در داستان "سرالحمیة البیضاء، ۱۹۹۵: ۴۰" مشاهده می‌شود:



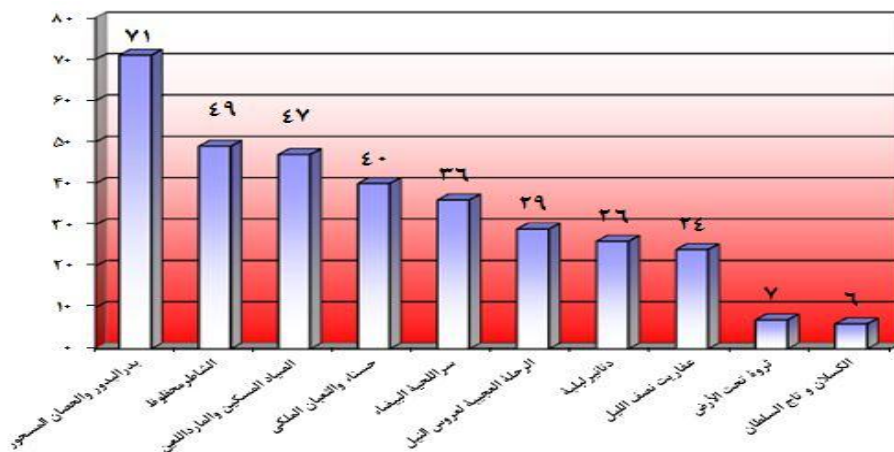
در این داستان، قهرمان داستان (پادشاه) برای یافتن افراد شرور در میان مردم، شبانگاه خود را تبدیل به خرسی می‌کند و در پایان داستان و پس از پیدا کردن آن افراد، دوباره تبدیل به انسان (قهرمان داستان) می‌شود. باتوجه به روند داستان، کودک انتظار دارد در طول داستان قهرمان را به شکل انسان مشاهده کند؛ اما طی یک دگردیسی دوسویه (انسان ← خرس ← انسان) و به واسطه تغییر شکل قهرمان تمرکز کودک از یک حالت موردانتظار به حالتی دیگر برهم می‌ریزد. می‌توان ساختار ذهن کودک را در این‌باره چنین ترسیم کرد:

تمرکزگرایی (انسان) ← تمرکززدایی (حیوان) ← تمرکززدایی (انسان)
این شگرد در تصاویر داستان "الرحلة العجیبة لعروس النيل، ۱۹۹۴: ۳۷" دیده می‌شود:



در این داستان، ابتدا کودک پری دریایی را به‌عنوان شخصیت اصلی می‌پذیرد؛ اما در طی داستان بخاطر پذیرش پیشنهاد غول دریا مبنی بر ارائه راهکار برای رفع آلودگی دریا، پری دریایی تبدیل به انسان می‌شود. این امر ذهنیت کودک را نسبت به ماهیت پری دریایی دچار دگرگونی می‌کند و باعث تمرکززدایی وی می‌گردد.
این شگرد به‌عنوان کم‌پسامدترین شگرد تصویری (۰,۵۹٪) در داستان‌های منتخب شارونی، بیانگر این نکته است که این شگرد برای کودکان قابل درک نیست.

جدول ۱- بسامد حضور شگردهای تمرکززدایی انتظارشکن در داستان‌های یعقوب شارونی



بررسی شگردهای تمرکززدایی انتظارشکن در تصاویرداستان‌های کودکانی یعقوب شارونی ۱۹۷

جدول ۲- بسامد شگردهای تمرکززدایی انتظارشکن به صورت مستقل در داستان‌های

یعقوب شارونی

مجموع	دنانیر لبلة	ثروة تحت الأرض	الكسلان وتاج السلطان	الصيد المسكين والمارد اللعين	بدر البدور والحصان المسحور	الشاطر مخطوط	عفاريت نصف الليل	سر اللحية البيضاء	الرحلة العجيبة لعروس الليل	حسناء والنعيان الملكي	
۱۱۱	۱۶	۴	-	۱۴	۲۸	۱۶	۱۶	۱۰	۷	-	تغییر ناگهانی پس‌زمینه
۶۳	۶	-	۲	۱۳	۱۰	۱۲	۴	۴	۷	۵	فانتزی‌سازی
۴۴	۲	۱	-	-	۲۱	۲	-	۴	-	۱۴	کادر هندسی در تصویر
۴۳	۳	-	۲	۹	۶	۱۱	۲	۴	۱	۴	اغراق
۲۶	-	-	-	۲	-	-	-	۳	۷	۱۴	بازی رنگ‌ها
۱۸	-	-	-	۴	۵	-	۲	۳	۱	۳	وارونه‌سازی
۱۱	-	۱	۱	-	-	۱	-	۵	۳	-	تشخیص
۶	-	۱	-	۵	-	-	-	-	-	-	اسطوره‌نگاری کودکانه
۵	۱	-	-	-	۱	۱	-	۲	-	-	کارکرد متن و تصویر
۵	-	-	-	-	-	۵	-	-	-	-	تخیل مکانیکی
۴	-	-	۱	-	-	۱	-	-	۲	-	شوخی تصویری
۲	-	-	-	-	-	-	-	۱	۱	-	دگر دیسی قهرمان

یافته‌ها و نتایج پژوهش

برای پاسخگویی به پرسش نخست پژوهش باید گفت: بسامد کارکرد شگردهای تمرکززدایی انتظارشکن در داستان‌های یعقوب شارونی (۳۳۸) بار بوده است. در این میان، شگرد تغییر ناگهانی پس‌زمینه با ۱۱۱ بار تکرار (۳۲٪)، بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده است؛ همچنین این شگرد در داستان "بدرالبدور والحصان المسحور" بیشترین کارکرد (۲۸ بار) را دارد. استفاده از این شگرد با تغییر رنگ از سیاه و سفید به رنگی، اشاره به این دارد که نویسنده قصد داشته تا از خلال متن، تمرکز کودک را برهم‌زند، بنابراین تصاویری را برای آن متن طراحی می‌کند که در راستای برهم‌زدن

تمرکز کودک و انتظارشکنی وی باشد. شگرد فانتزی‌سازی با ۶۳ بار تکرار (۱۸٪) دومین شگرد پربسامد این داستان‌هاست که حضور آن در داستان "الصيد المسكين والمارد اللعين" بیشتر از دیگر داستان‌هاست (۱۳ بار). شایان ذکر است که فانتزی‌بودن تصاویر این داستان‌ها می‌تواند باعث شود کودک از برداشت‌های ذهنی معمول خود خارج شده و به دنیایی پر از تخیلات گام نهد و انتظارشکن گردد. سومین شگرد پربسامد در داستان‌های موردبحث، کادر هندسی در تصویر است که بسامد آن ۴۴ بار (۱۳٪) از مجموع داستان‌هاست و در داستان "بدر البدور والحصان المسحور" بیشترین فراوانی (۲۱ بار) را دارد. با کمک این شگرد، کودک با روش‌های متفاوت تصویرپردازی آشنا می‌شود؛ لذا از تمرکز بر متن خارج می‌شود و به حد انتظارشکنی می‌رسد. باید گفت: علت اصلی بسامد بالای این سه شگرد در داستان‌های موردبحث این است که هر سه از یک سو با ذهن و دنیای کودک گروه سنی «ب» و «ج» سنخیت دارد؛ زیرا ذهن کودک در این سن هنوز به پختگی کامل نرسیده و توانایی پردازش و دریافت تکنیک‌های پیچیده تصویری داستان را ندارد؛ از دیگر سو این دو داستان "بدر البدور والحصان المسحور؛ الصيد المسكين والمارد اللعين" به نسبت دیگر داستان‌های موردبحث، همسویی بیشتری با دنیای خیالی و فانتزی کودک گروه سنی «ب» و «ج» دارد؛ لذا این امر می‌طلبد که تغییر ناگهانی پس‌زمینه و همچنین مؤلفه‌های تصاویر فانتزی و کادر هندسی در تصاویر این دو داستان برجسته‌تر باشد. درباره شگردهای انتظارشکن کم‌بسامد در داستان‌های موردبحث می‌توان به ترتیب به شگرد کارکرد تقابلی متن و تصویر (۱، ۴۷٪)، تخیل مکانیکی (۱، ۴۷٪)، شوخی تصویری (۱، ۱۸٪) و دگردیسی قهرمان (۰، ۵۹٪) اشاره کرد. علت پایین‌بودن بسامد این شگردها نیز به این خاطر است که این تصاویر برای گروه سنی «ب» و «ج» چندان قابل درک و فهم نیست.

در پاسخ به دومین پرسش پژوهش باید گفت که هدف یعقوب شارونی از بکاربردن این شگردها، توجه به تقویت توانایی ذهنی و درک کودک، در کنار سرگرمی و ایجاد حس لذت و جذابیت در داستان‌ها بوده است. وی با کاربرد شگردهای تمرکززدایی در داستان‌های موردبحث از یک طرف با ایجاد نوعی تنش لذت‌آور برای کودک، موجب

بارورکردن توانایی تمرکززدایی مخاطب و تقویت درک و ذوق ادبی کودک می‌گردد و از دیگر سو با رشد تخیل کودک سبب می‌شود تا او پی در پی از خود به درآید و در خود فرو رود و به تفسیرهای درونی و شخصی دست یابد؛ همین نکته تخیل کودک را بارور ساخته و لذت او را سرشار می‌سازد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- نام‌گذاری عنوان انتظارشکن برای شگردهای مورد نظر توسط نویسندگان مقاله انجام شده است

2- Triton

منابع و مآخذ

- آیزمن، بئاتریس. (۱۳۸۸ش) روان‌شناسی کاربرد رنگ‌ها (پیتون). ترجمه روح الله زمزمه، تهران: بیهق کتاب.
- أبو العدوس، یوسف (۲۰۰۷م). الأسلوبية والتطبيق. ط ۱. الأردن: دارالمسيرة.
- أبو هيف، عبدالله (۲۰۰۱م). التنمية الثقافية للطفل العربي. ط ۱. دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
- اسپرهم، داوود و مینو پيله‌ور. (۱۳۹۵ش). «نگاهی به داستان کودک در ایران و غرب (گروه سنی ب و ج) با تاکید بر مؤلفه‌های تعلیم و تربیت»، پژوهش‌های زبان و ادبیات ملل، شماره ۶۷، صص ۱۳-۳۵.
- اسمیت، ژوئل. (۱۳۸۳ش) فرهنگ اساطیر ایران و رم. ترجمه شهلا برادران خسروشاهی، تهران: روزبهان.
- انوشه، حسن. (۱۳۸۰ش) دانشنامه ادب فارسی. تهران: موسسه انتشاراتی دانش‌نامه.
- ایتن، یوهانس، (۱۳۸۴ش)، هنررنگ. ترجمه عربعلی شروه، تهران: یساولی.
- بحرایی، حسن. (۱۹۹۰م) بنية الشكل الروائي، (الفضاء، الزمن، الشكل). ط ۱، الدار البيضاء المركز الثقافي العربي.
- بروکس، مارجریت (۲۰۱۲م). «رسم الأطفال الصغار وتصورهم واكتشافاتهم للمشكلات الكبرى». فلسطين: رؤى تربوية، السنة ۱۳، العدد ۳۶: صص ۹۱-۱۰۳.
- بنک‌راد، سعید. (۲۰۰۵) السيميائيات- مفاهيمها و تطبيقاتها-، ط ۲، سورية: دارالحوار.

- بهروزكيا، كمال. (١٣٨٥ش) «فانتزى، ادبيات دوران جديد». كتاب ماه كودك و نوجوان، س ٩، ش ١٠٦ تا ١٠٤: صص ١٤٤-١٣٨.
- بين سنت، جان. (١٣٧٩ش) اساطير يونان. ترجمه باجلان فرخى، تهران: انتشارات اساطير.
- حليفي، شعيب. (١٩٩٣م) «مكونات السرد الفانتاستيكي». مجلة الفصول، القاهرة: فصول ١٢: صص ٧٢-٥٨.
- خسرو نژاد، مرتضى. (١٣٨٢ش) معصوميت و تجربه (درآمدی بر فلسفه ادبيات كودك). تهران: مركز.
- خورشيد، فاروق. (٢٠٠٢م) أديب الأسطورة عند العرب وجذور التفكير إصالة الإبداع. للكوييت، مطابع السياسية.
- رزمجو، حسين. (١٣٨٥ش) انواع ادبي و آثار آن در زبان فارسي. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- روسا، مارك (٢٠٠٢م). الصور الفوتوغرافية صيانتها، معالجتها، وتخزينها. ترجمة: سهام بادى. مراجعة: عبداللطيف صوفي. ط ١. تونس: الاتحاد العربي للمكتبات والمعلومات.
- زلط، احمد. (١٩٩٤م) أدب الطفولة اصوله، مفاهيمه، الشركة العربية للنشر والتوزيع.
- سلاجقه، پروين (١٣٨٧ش). از اين باغ شرقى. ج ١. تهران: كانون پرورشی فكري كودكان و نوجوانان.
- السويدى، وضحي على و محسن محمد عطية. (١٩٩٤م) «الدلالات الفنية والتعبيرية لمضمون قصة أصحاب الفيل في رسوم عينة من أطفال الصفيين الأول والثالث الابتدائيين بالمدارس القطرية» مجلة حولية كلية التربية-جامعة قطر، العدد ١١: صص ٢١٤-٢٨٣.
- الشارونى، يعقوب. (١٩٩٤م) مجموعة قصصية الكاملة. مصر: دارالمعارف.
- شاكر محمد، علاء و زغد سلمان خليل. (٢٠١٤م). «الخصائص المميزة لرسوم تلامذة المرحلة الابتدائية من الذكور والإناث»، أطروحة لنيل درجة الإجازة بجامعة ديالى: كلية الفنون والجميلة.
- شحاته، محمد (١٩٩٢م) «دراسات ووثائق التناول الجرافيكى لتصميم الشخصية فى قصة الطفل». عالم الكتاب، العدد ٣٦: صص ٥٣-٤٧.
- شحاته، حسن. (١٩٩٤م) أدب الطفل العربى، دراسات وبحوث. القاهرة: الدار المصرية اللبنانية.
- شرفاوى، حاج عبو. (٢٠١٢م) «علاقة البنية المعرفية الافتراضية بالبنية المعرفية الملاحظة دراسة تحليلية فى ضوء نظرية بياجيه». جامعة وهران: كلية العلوم الاجتماعية قسم علم النفس.
- الصاوى الجوينى، مصطفى. (١٩٨٥م) حول أدب الأطفال. معارف بالاسكندرية.
- ضيف، شوقى. (١٩٧٥م) الفن ومذاهبه فى الشعر العربى. ج ١، القاهرة: دارالمعارف.

بررسی شگردهای تمرکززدایی انتظارشکن در تصاویرداستانهای کودکانی یعقوب شارونی ۲۰۱

- عبدالفتاح، اسماعیل. (۱۴۲۰هـ) *آدب الأطفال في العالم المعاصر (رؤية نقدية، تحليلية)*. مكتبة الدار العربية للكتاب.
- عبدالمحسن، محمد حسن. (۲۰۱۱م) *البنية السردية في رواية صبحي فحماوی*. سوريا: دار الحوار للنشر والتوزيع.
- عبید، کلود. (۲۰۱۰م) *جمالية الصورة في جدلية العلاقة بين الفن التشكيلي والشعر*. الطبعة الأولى، بيروت: مجد، المؤسسة الجامعة للدراسات والنشر والتوزيع.
- علوی، یحیی بن حوزة. (۱۹۹۵م) *الطراز المتضمن لأسرار البلاغة و علوم حقایق الأعجاز*. بيروت: دار الكتب العلمية.
- عمر الشیخ محمد، أماني. (۲۰۰۷م) «سمة الانبساط من خلال رسومات الأطفال: دراسة مقارنة بين الأطفال المعاقين عقليا بمراكز التربية الخاصة والأطفال غير المعاقين عقليا بولاية الخرطوم»، بحث مقدم لنيل ماجستير الآداب في علم النفس، جامعة الخرطوم.
- غازي النعیمی، فیصل، (۲۰۰۷م)، «العجائی فی رواية الطريق إلى عدن». مجلة جامعة تكريت للعلوم الإنسانية، المجلد ۱۴: صص ۱۴۶-۱۲۰.
- قاسمی، سمانه. (۱۳۹۴ش) «شگردهای تمرکززدایی در تصویر و برهم کنش متن و تصویر در کتابهای تصویری». مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، سال ششم، شماره سوم: صص ۱۲۳-۱۵۰.
- قزلایغ، ثریا (۱۳۹۲ش). *ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن: مواد و خدمات کتابخانه‌ای برای کودکان و نوجوانان*. ج ۹. تهران: سمت.
- القزوينی، خطیب. (۱۹۸۹م) *الایضاح فی علوم البلاغة*. بيروت: الشركة العلمية للكتاب.
- کعسیس، بدره (۲۰۱۰م). «سیمائیة الصورة فی تعلیم اللغة العربية». رسالة الماجستير: جامعة فرحات عباس الجزائرية.
- گینزبرگ، هربرت و سیلویا اوپر. (۱۳۷۱ش) *رشد عقلانی کودک از دیدگاه پیاژه*. ترجمه فریدون حقیقی و فریده شریفی، تهران: فاطمی
- مازن کامل، مها. (۲۰۱۳م). «التعبير الفني في مرحلة المدرك الشكلي عند الأطفال وعلاقته ببعض المتغيرات»، مجلة الأستاذ، العدد ۲۰۵: صص ۲۱۸-۱۹۹.
- مختار عمر، احمد. (۱۹۹۷م) *اللغة واللون*. الطبعة الثانية، القاهرة: عالم الكتب للنشر والتوزيع.
- مرادپور، ندا. (۱۳۹۴ش) «شگردهای تمرکززدایی در افسانه‌های ایران (مجموعه‌ی انجوى شیرازی)». پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه شیراز.
- مطلوب، احمد. (۱۴۰۳هـ) *معجم المصطلحات البلاغية وتطورها*. جزء الأول، مطبعة العلمی للعراقی.
- معوض، محمد فرید. (۲۰۰۷م) *أفراح وأحزان طفل هذا الزمان دراسات حول مشكلات الطفل في أدب يعقوب شارونی*. القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

- میرقادری، بشری السادات و حمید احمدیان. (۱۳۹۴ش) «بررسی تطبیقی کتاب‌های تصویری داستانی عربی و فارسی بر مبنای شگردهای تمرکززدایی». مجله مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، سال ششم، شماره سوم، بهار و تابستان: صص ۱۷۴-۱۵۱.
- نجیب، أحمد. (۱۹۹۱م) *أدب الأطفال، علم وفن*. القاهرة: دار الفكر العربی.
- النعیمی، أحمد اسماعیل (۲۰۰۵م) *الأسطورة فی الشعر العربی قبل الإسلام*. بغداد: دارالشؤون الثقافية العامة.
- ویلکاکس، مایکل. (۱۳۷۹ش) *آبی و زرد سبز نمی‌سازند*. ترجمه عربعلی شروه، تهران: انتشارات بهار.
- الهیاتی، هادی نعمان (۱۹۹۷م) *أدب الأطفال فلسفه، فنونه، وسائطه*. القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- Huck, Charlotte (1997). *Children's Literature in the Elementary School*, 6th ed, McGraw-Hill.

دراسة تقانات اللامركزية التصويرية المخالفة للمتوقع في قصص يعقوب الشاروني للأطفال

مژگان بیات كشكولى^١

على اصغر حبیبی^٢

عبدالباسط عرب يوسف آبادی^٣

الملخص

تُطلَق اللامركزية إلى القدرة الذهنية للطفل للانتقال من ظاهرة إلى أخرى بعيدة عن موقع مركزي والتي تسبب في عدم التركيز له. وهذه العملية وبوصفها من أسباب ردود الفعل الذهنية للطفل والتي تؤدي إلى نموه العقلي وتعزيز قوة تفكيره وإبداعه، تتجلى في أدب الأطفال وذلك من خلال تقانات خاصة. يمكن فحص هذه التقانات في مستويين وهما النص والصورة؛ أما مستوى الصورة فذو أهمية بالغة في أدب الأطفال. وإلى جانب اللامركزية لهذه الصور، يخالف قسمٌ منها لما يتوقعه المخاطب/الطفل، بحيث يخرج الطفل عن مألفه ويفاجؤ. بما لا يتوقعه فيبعد تركيزه عن عملية واحدة؛ وذلك عندما ينظر إلى هذه الصور ويطابقها مع النص. تحاول هذه الدراسة أن تدرس عشرة من قصص مختارة ليعقوب الشاروني (١٩٣١-٢٠١٧م) القاص المصري المعاصر، وتستخرج تقانات اللامركزية التي تخالف المتوقع للطفل. تمت دراسة هذه القصص وفقاً للمنهج الوصفي- التحليلي وعلى أساس كمية وكيفية استخدام هذه التقانات. تدل نتائج البحث على أن تقانات التغيير المفاجئ للخلفية (٣٢%)، والفانتازية (١٨%)، والإطار الهندسي للصورة (١٣%) من أهم التقانات اللامركزية للصورة في هذه القصص.

الكلمات الرئيسية: القصص العربية للأطفال، تقانات اللامركزية التصويرية، اللامركزية التي تخالف المتوقع،

التغيير المفاجئ للخلفية، الفانتازية.

١- ماجستير في اللغة العربية وآدابها، جامعة زابل

٢- أستاذ مشارك في اللغة العربية وآدابها، بجامعة زابل

٣- أستاذ مساعد في اللغة العربية وآدابها، بجامعة زابل

The study of the counter-anticipatory decentralization techniques in the children's stories of Yaghoub Al-Sharoni

Mojgan Bayat Kaskkoli, MA in Arabic Language, University of Zabol

¹Aliasghar Habibi, Associate Professor, University of Zabol

Abdolbaset Arab Yosefabadi, Assistant professor, University of Zabol

Received: 22-12-2018

Accepted: 24-06-2019

Abstract

Decentralization refers to the mental ability of a child with which he or she jumps from one concept to another. This often breaks one's focus, but it promotes mental actions, encourages cognition and strengthens creativity. The phenomenon is manifested by certain techniques in children's literature. These techniques are examined at the levels of text and image. Of these two, the image is of great importance. Some child-created pictures not only reflect decentralization but also break the anticipation of the audience. Thus, as a child sees such pictures, he or she is surprised and gets out of normal conditions, which causes the decentralization of his mind. In the present study, efforts are made to review the counter-anticipatory decentralization techniques in ten selected stories by Yaghoub Al-Sharoni (1931-2017), an Egyptian contemporary novelist. The stories are dealt with through a descriptive-analytic method and based on statistical data. The research addresses the manner of using unexpected images. The most important visual techniques found in the stories are the change of background, building up fantasies and introduction of geometry in the images.

Keyword: Arabic children's literature, Yaghoub Al-Sharoni, Image decentralization, Abrupt change of the background color, Fantasy.